یادداشت



صالح مخدومی
مربی تیم ملی بسکتبال نوجوانان

سرمایه‌گذاری مهم‌تر از نتیجه‌گرایی

باشگاهداری در ایران همواره زیر فشار مطالبات هواداران قرار دارد. مدیران باشگاه‌ها برای جلب رضایت جامعه هواداری، معمولاً دستیابی به نتایج کوتاه‌مدت را در اولویت قرار می‌دهند؛ رویکردی که برنامه‌ریزی برای بقای باشگاه، توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد توازن درآمدی میان ورزش قهرمانی و پایه را به حاشیه می‌راند.

مدیریت اصولی باشگاه‌ها مستلزم ایجاد تعادل میان هزینه‌ها و درآمدها و توجه جدی به پشتوانه‌سازی است. احداث آکادمی، شناسایی و پرورش استعدادها، بازسازی زیرساخت‌های ورزشی و فراهم کردن امکانات مناسب برای ورزشکاران، اقداماتی هستند که باید در اولویت برنامه‌های باشگاه‌ها قرار بگیرند. تحقق این اهداف نیز نیازمند اختصاص سرفصلی مشخص در بودجه باشگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری در ورزش پایه است.

باشگاه‌هایی که بدون برنامه و با هزینه‌های سنگین به تشکیل تیم‌های متعدد در رشته‌های مختلف روی می‌آورند، معمولاً نتیجه‌گرایی را دنبال می‌کنند و بازدهی چندانی ندارند. چنین رویکردی علاوه بر تحمیل هزینه‌های غیرضروری، به سرمایه‌های انسانی و مالی باشگاه نیز آسیب می‌زند.

در بسکتبال ایران، شهرهایی مانند اصفهان، گرگان، اسلامشهر و آمل به دلیل برخورداری از استعدادهای فراوان و هواداران علاقه‌مند، ظرفیت بالایی برای توسعه این رشته دارند. برخی باشگاه‌های فعال در این شهرها با احداث آکادمی و تشکیل تیم‌های پایه، نقش مؤثری در پرورش بازیکنان جوان و معرفی استعدادها به تیم‌های ملی داشته‌اند.

در مقابل، باشگاه‌هایی نیز وجود دارند که بدون برنامه مشخص برای پشتوانه‌سازی و تنها با تکیه بر نام و سابقه خود، هزینه‌های هنگفتی برای جذب استعدادهای جوان سایر باشگاه‌ها صرف می‌کنند. این رویکرد به تضعیف باشگاه‌های سازنده و خروج سرمایه‌های انسانی از شهرهای استعدادخیز منجر می‌شود.

بارسلونا و رئال مادرید اسپانیا نمونه‌هایی از باشگاه‌هایی هستند که برای پرورش استعدادهای جوان و درآمدزایی از آنها برنامه مشخصی دارند. این باشگاه‌ها بازیکنان مستعد را در رده‌های سنی پایین جذب می‌کنند و برای کسب تجربه بیشتر به صورت قرضی در اختیار تیم‌های دیگر قرار می‌دهند. بازیکنان پس از رسیدن به سطح مطلوب به باشگاه بازمی‌گردند و در صورت نداشتن جایگاه در ترکیب اصلی، با مبالغ قابل توجه به فروش می‌رسند. این چرخه اقتصادی در ایران اغلب جای خود را به خرید بازیکن و از دست دادن استعدادهای پرورش‌یافته داده است.

موفقیت در ورزش قهرمانی به استعداد ذاتی، آمادگی روانی و مهارت‌های تکنیکی وابسته است؛ مؤلفه‌هایی که در آکادمی‌ها شکل می‌گیرند. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در ورزش پایه، دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی ارزشمندی دارد. باشگاهداری زمانی به توسعه پایدار ورزش کمک می‌کند که به جای خریدن قهرمان، به ساختن قهرمان بیندیشد و پرورش استعداد را به بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های خود تبدیل کند.

یادداشت



محسن ربانی
رکورددار و مربی پرش با نیزه ایران

قهرمان‌سازی بهتر از قهرمان خریدن

حضور باشگاه‌های بزرگ و اسم و رسم‌دار در رشته‌های مختلف ورزشی، اتفاقی مثبت و اثرگذار است که می‌تواند به افزایش رقابت، ایجاد انگیزه در ورزشکاران و رونق لیگ‌ها کمک کند. ورود باشگاه‌هایی مانند استقلال و پرسپولیس به رشته‌هایی همچون دوومیدانی، فرصتی ارزشمند برای دیده‌شدن این رشته‌ها و حمایت از استعدادهای ورزشی است؛ اما پرسش مهم اینجاست که این حضور تا چه اندازه می‌تواند تداوم داشته باشد و چه دستاوردی برای آینده ورزش کشور به همراه خواهد داشت؟

باشگاه‌ها باید بدانند ساختن قهرمان بسیار ارزشمندتر از خریدن آن است. تیمداری باشگاه‌های بزرگ زمانی می‌تواند به توسعه رشته‌ای مانند دوومیدانی کمک کند که بر پایه برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری پایدار و استفاده از دانش روز دنیا شکل بگیرد. بهره‌گیری از مربیان متخصص، عقد قراردادهای شفاف و پرداخت منظم مطالبات ورزشکاران، از ابتدایی‌ترین الزامات چنین مسیری است. در کنار این موارد، توجه به رده‌های پایه و حمایت واقعی از ورزشکاران باید در اولویت قرار بگیرد. ورود عجولانه به لیگ، بدون داشتن برنامه مشخص، نه‌تنها کمکی به توسعه ورزش نمی‌کند، بلکه می‌تواند با افزایش بدهی باشگاه‌ها به ورزشکاران، چالش‌های تازه‌ای نیز ایجاد کند.

حضور باشگاه‌های مطرح ضروری و مفید است، اما برای اثرگذاری واقعی باید ساختار حرفه‌ای داشته باشند و نحوه فعالیت و حضورشان در رشته‌های مختلف تابع دستورالعمل‌های مشخصی باشد. داشتن زیرساخت اختصاصی یکی از الزامات باشگاه‌داری حرفه‌ای است، اما نبود آن نباید به مانعی برای آغاز فعالیت تبدیل شود. باشگاه‌ها می‌توانند با تعامل و همکاری با هیأت‌های استانی، مدارس و مجموعه‌های ورزشی، از ظرفیت‌های موجود استفاده و با جذب مربیان توانمند، مسیر استعدادیابی و پرورش ورزشکاران را آغاز کنند.

در این مسیر، راه‌اندازی آکادمی به‌عنوان کارخانه قهرمان‌سازی باشگاه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. آکادمی موفق به تجهیزات استاندارد، مربیان متخصص و آگاه، برنامه آموزشی مدون و مستمر، فضای فیزیکی و روانی ایمن و بودجه مشخص نیاز دارد. بدون فراهم‌کردن این الزامات، نمی‌توان انتظار داشت آکادمی‌ها به خروجی مطلوب برسند و پشتوانه‌ای مطمئن برای آینده ورزش باشند.

تیمداری در یک فصل یا بازه زمانی کوتاه، نمی‌تواند مسأله توسعه ورزش ایران را حل کند. هرچند تزریق منابع مالی به ورزشکاران می‌تواند بخشی از نیازهای آنها را برطرف کند و زمینه‌ساز نتایج بهتر باشد، اما هدف اصلی باید ایجاد اثرگذاری ماندگار باشد. باشگاه‌ها حتی برای حمایت کوتاه‌مدت نیز می‌توانند با تشویق ورزشکاران پس از ثبت رکوردهای ارزشمند یا حمایت مالی از آنها برای کسب سهمیه المپیک نقش‌آفرینی کنند.

آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، تغییر نگاه مدیران باشگاه‌ها از نتیجه‌گرایی مقطعی به سرمایه‌گذاری اصولی است. استعدادیابی، پرورش نسل آینده، تربیت مربیان، راه‌اندازی آکادمی، توسعه زیرساخت‌ها و افزایش شمار ورزشکاران، اقداماتی هستند که می‌توانند میراثی ماندگار برای دوومیدانی به جا بگذارند. ورزش ایران به باشگاه‌هایی نیاز دارد که به جای خریدن قهرمانان آماده، برای ساختن قهرمانان آینده سرمایه‌گذاری کنند.

«ایران» چالش‌های ورود استقلال و پرسپولیس به رشته‌های غیرفوتبالی را بررسی می‌کند

ویترین‌سازی به نام توسعه ورزش

گروه ورزشی/ حضور باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس در رشته‌های ورزشی غیر از فوتبال، طی سال‌های گذشته با فرازونشیب‌های متعددی همراه بوده است. ورود به برخی رشته‌ها، تشکیل تیم، حضور در رقابت‌ها و سپس کناره‌گیری یا توقف فعالیت، الگویی تکرارشونده در کارنامه تیمداری این دو باشگاه بوده است؛ الگویی که بیش از آنکه بیانگر یک برنامه توسعه‌ای باشد، از فقدان راهبرد مشخص و غلبه تصمیم‌های مقطعی در مدیریت این مجموعه‌ها حکایت دارد. بدون تردید، استقلال و پرسپولیس به واسطه سرمایه اجتماعی، شهرت و ظرفیت اقتصادی خود می‌توانند نقش مؤثری در توسعه رشته‌های مختلف ورزشی ایفا کنند. ولی ورود به عرصه تیمداری زمانی ارزشمند است که بر پایه مطالعات کارشناسی، منابع مالی پایدار و برنامه‌ای بلندمدت صورت بگیرد. تشکیل تیم بدون پیش‌بینی هزینه‌های جاری، تأمین امکانات تمرینی و تعیین اهداف مشخص، اقدامی است که شاید در کوتاه‌مدت بازتاب رسانه‌ای مثبتی داشته باشد، اما در بلندمدت به توقف فعالیت و هدررفت منابع منجر می‌شود. یکی از ایرادهای اساسی در این رویکرد مدیریتی، تلقی نادرست از مفهوم توسعه است. افزایش تعداد رشته‌ها و تیم‌های تحت پوشش یک باشگاه، به تنهایی نشانه موفقیت و پیشرفت نیست و نمی‌تواند معیار مناسبی برای ارزیابی عملکرد مدیران باشد. چه‌بسا باشگاهی با حضور در تعداد محدودی از رشته‌ها و سرمایه‌گذاری هدفمند در آنها، دستاوردی به مراتب ارزشمندتر از مجموعه‌ای داشته باشد که بدون برنامه مشخص، در رشته‌های متعدد تیمداری می‌کند. معیار واقعی موفقیت را باید در کیفیت فعالیت، استمرار حضور، پرورش استعدادها و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد ورزشکاران جست‌وجو کرد. بخش دیگری از این ضعف مدیریتی به وابستگی تصمیم‌ها به دوره مسئولیت مدیران بازمی‌گردد. وقتی برای فعالیت در یک رشته، برنامه‌ای مستقل از سلیقه مدیران وجود ندارد، تغییر مدیریت می‌تواند به تغییر اولویت‌ها و حتی تعطیلی تیم‌ها منجر شود. در چنین شرایطی، ورزشکاران و کادرهای فنی اولین گروه‌هایی هستند که هزینه تصمیم‌های ناپایدار را می‌پردازند. استقلال و پرسپولیس برای ایفای نقشی مؤثر در ورزش کشور، بیش از افزایش تعداد تیم‌ها به اصلاح نگرش مدیریتی نیاز دارند. تدوین برنامه‌های چندساله، سرمایه‌گذاری در رده‌های پایه، توسعه امکانات تمرینی و تأمین منابع مالی پایدار باید مبنای فعالیت این دو باشگاه قرار گیرد. تیمداری زمانی یک دستاورد مدیریتی محسوب می‌شود که به توسعه واقعی ورزش منجر شود، نه اینکه به ابزاری برای نمایش عملکرد مدیران و ارائه آماری پرشمار از رشته‌های تحت پوشش تبدیل شود.

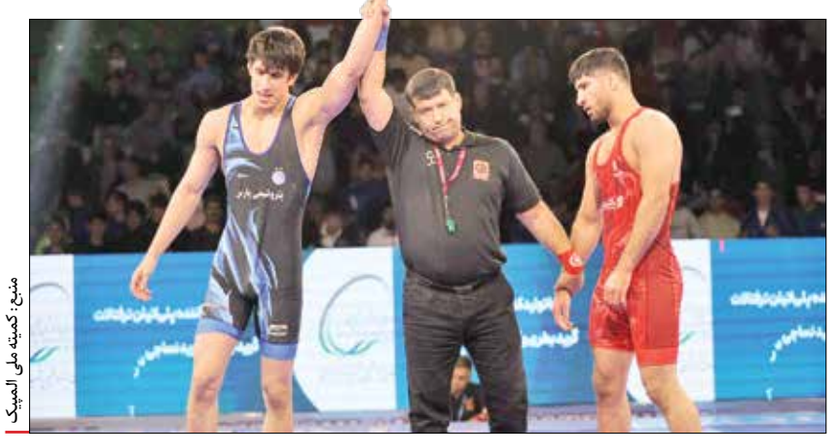

منبع: کمیته ملی المپیک

محمد وکیلی، سرمربی پیشین تیم والیبال نوجوانان در گفت‌وگو با «ایران»:

تیمداری با پول هنگفت هنر خاصی نمی‌خواهد

مهری رنجبر/ ورود باشگاه‌های بزرگ فوتبال به رشته‌های ورزشی دیگر، در نگاه اول اتفاقی امیدوارکننده برای توسعه ورزش ایران به نظر می‌رسد؛ اتفاقی که می‌تواند به رونق لیگ‌ها، حمایت از ورزشکاران و افزایش جذابیت رقابت‌ها کمک کند. اما آیا صرف هزینه و تشکیل تیم در رشته‌های مختلف را می‌توان سرمایه‌گذاری ورزشی نامید؟ محمد وکیلی، سرمربی پیشین تیم والیبال نوجوانان، با استقبال از سرمایه‌گذاری باشگاه‌ها در رشته‌های مختلف، معتقد است استقلال و پرسپولیس پیش از ورود به عرصه تیمداری باید از یک ساختار حرفه‌ای برخوردار شوند. او در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند که تیمداری بدون سالن، ورزشگاه، آکادمی و برنامه استعدادیابی، بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا سرمایه‌گذاری.

ورود باشگاه‌های بزرگ فوتبال به رشته‌های دیگر ورزشی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این اتفاق می‌تواند به توسعه ورزش ایران کمک کند؟

سرمایه‌گذاری باشگاه‌ها در رشته‌های مختلف اتفاق خوبی است و در تمام دنیا هم باشگاه‌های حرفه‌ای چنین رویکردی دارند. اما باید توجه داشت که باشگاه حرفه‌ای برای فعالیت در رشته‌های گوناگون، به ساختار مدیریتی، امکانات، زیرساخت و چارچوب استاندارد نیاز دارد. نمونه آن را در باشگاه‌هایی مثل بارسلونا و فنرباغچه می‌بینیم. این باشگاه‌ها فقط تیم تشکیل نمی‌دهند، بلکه مجموعه‌ای ورزشی با امکانات مشخص و برنامه بلندمدت هستند.

مشکل ما این است که استقلال و پرسپولیس هنوز باشگاه به معنای واقعی نیستند و بیشتر دو تیم فوتبال محسوب می‌شوند. این دو مجموعه حتی برای تیم‌های فوتبال خودشان زمین چمن اختصاصی ندارند، اما با اتکا به اعتبار نامشان وارد رشته‌های دیگر می‌شوند و برای تیمداری هزینه می‌کنند. یک باشگاه واقعی اگر بخواهد در رشته کشتی سرمایه‌گذاری کند، باید سالن کشتی داشته باشد و بتواند ورزشکاران را از رده نونهالی تا بزرگسالی پرورش دهد.

این حضور مقطعی چه تأثیری بر هواداران و جایگاه رشته‌های ورزشی می‌گذارد؟

وقتی یک باشگاه سالن و ورزشگاه مشخصی داشته باشد و تیمش به‌صورت مستمر فعالیت کند، هواداران بیشتری جذب می‌شوند. اما وقتی تیمی یک سال در لیگ حضور دارد و سال بعد خبری از آن نیست، هوادار سردرگم می‌شود. من زمانی که در تیم والیبال استقلال بازی می‌کردم، حدود ۱۲ هزار تماشاگر برای تماشای مسابقات ما به سالن ۱۲ هزار نفری آزادی می‌آمدند. امروز دیگر چنین استقبالی را نمی‌بینیم چون مردم می‌دانند حضور این تیم‌ها در لیگ‌های مختلف دائمی نیست و ممکن است سال آینده دیگر تیمی وجود نداشته باشد. هوادار نمی‌تواند به تیمی دل ببندد که ثبات ندارد. وقتی مدیران برنامه مشخصی ندارند، تیمداری آنها مثل نسیمی است که خیلی زود فروکش می‌کند. اما تیمی که سال‌ها با یک ساختار مشخص فعالیت کرده باشد، می‌تواند هوادارانش را از شهرهای مختلف جذب کند.

با این شرایط، باشگاه‌های بزرگ بهتر است بودجه خود را به جای تیمداری صرف توسعه زیرساخت‌ها کنند؟

قطعاً باید چنین کاری انجام دهند. ساختار باشگاه‌داری زمانی شکل می‌گیرد که مجموعه‌ها، ورزشگاه، سالن، کمپ تمرینی و آکادمی اختصاصی داشته باشند. وقتی سرمایه‌گذاری یک باشگاه بعد از دو یا سه سال به نتیجه مشخصی نرسد، طبیعی است که جدی گرفته نشود. تیمی که سال‌ها در لیگ حضور داشته، اما هر سال وضعیت فعالیت و حتی شهر محل برگزاری مسابقاتش تغییر می‌کند، نمی‌تواند جایگاه باثباتی پیدا کند. همه در ایران استقلال و پرسپولیس را با فوتبال می‌شناسند و نباید تصور کرد که صرف استفاده از نام این دو باشگاه در رشته‌های دیگر، به معنای توسعه آن رشته‌هاست.

آیا سرمایه‌گذاری در رشته‌های دیگر باید با پرورش ورزشکار از رده‌های پایه همراه باشد؟

حتماً. اگر استقلال و پرسپولیس می‌خواهند در رشته‌های مختلف فعالیت کنند، باید هم مجموعه ورزشی و امکانات لازم را فراهم کنند و هم آکادمی داشته باشند تا بتوانند تیم‌های پایه تشکیل دهند. هدف باشگاه باید تربیت ورزشکارانی باشد که در آینده برای ایران افتخارآفرینی کنند و حتی از طریق انتقال بازیکنان مستعد به تیم‌های دیگر درآمدزایی داشته باشند. باشگاه‌ها تا زمانی که در ورزش مستأجر باشند، راه به جایی نمی‌برند. حتی اگر سرمایه‌گذاری محدودی دارند، باید سالن و امکانات اختصاصی خود را فراهم کنند. البته پرورش ورزشکار هم باید با حضور یک تیم قدرتمند در رقابت‌های سطح بالا همراه باشد. نمی‌توان بازیکن ساخت، اما تیم را در لیگ یک یا مسابقات زیرگروه نگه داشت و انتظار پیشرفت داشت. باشگاه بزرگی مثل بارسلونا در رشته بسکتبال هم به دنبال حضور در بالاترین سطح رقابت‌هاست و برای تیم خود برنامه دارد.

> وقتی مدیران برنامه مشخصی ندارند، تیمداری آنها مثل نسیمی است که خیلی زود فروکش می‌کند. اما تیمی که سال‌ها با یک ساختار مشخص فعالیت کرده باشد، می‌تواند هوادارانش را از شهرهای مختلف جذب کند

حضور تیم‌های بدون پشتوانه در لیگ‌های مختلف چه تأثیری بر کیفیت مسابقات دارد؟

این اتفاق برای فدراسیون‌ها هم چالش ایجاد می‌کند. اصرار و خواهش مداوم از مدیران و رؤسای فدراسیون‌ها برای حضور تیم‌ها در لیگ، آن هم بدون بازیکنان باکیفیت و برنامه مشخص، نتیجه‌ای جز پایین آمدن سطح مسابقات ندارد. لیگ ۸ یا ۱۰ تیمی که ساختار مشخصی داشته باشد، بسیار بهتر از مسابقاتی است که یک تیم پس از گذشت سه هفته هنوز نمی‌داند قرار است در لیگ شرکت کند یا نه. تصمیم‌های غیر اصولی، مشکلات زیادی به وجود می‌آورد. به اعتقاد من برای حل مشکلات در این حوزه باید به ساختارهای اصولی و قوانین پایبند باشیم.

به نظر شما استقلال و پرسپولیس باید از تیمداری در رشته‌های دیگر فاصله بگیرند و روی فوتبال متمرکز شوند؟

مدیران این دو باشگاه باید با مردم صادق باشند و ابتدا تکلیف خودشان را در فوتبال مشخص کنند. افرادی باید در رشته‌های دیگر سرمایه‌گذاری کنند که به آن رشته‌ها علاقه دارند و برای توسعه‌شان برنامه‌ریزی کرده‌اند. کسی که می‌خواهد در تنیس روی میز، تکواندو، والیبال یا بسکتبال سرمایه‌گذاری کند، باید سالن بسازد و امکانات اختصاصی فراهم کند. همین اقدام بهترین تبلیغ برای جذب نوجوانان و جوانان است. سرمایه‌گذاری باید ریشه‌ای باشد و قدم اول آن تأمین زیرساخت است. خانه‌به‌دوشی برای باشگاه‌ها سم است؛ وقتی تیمی سالن اختصاصی ندارد، چطور می‌تواند برای سال آینده برنامه‌ریزی کند؟

پس معیار شما برای سنجش یک سرمایه‌گذاری موفق در ورزش چیست؟

معیار اصلی، ماندگاری و زیرساخت است. اگر مدیری برای باشگاهش ورزشگاه، سالن، کمپ و آکادمی بسازد، باید ایستاده برای او دست زد چون کار ماندگاری انجام داده است. اما تیمداری با پول موجود در حساب باشگاه، هنر خاصی نمی‌خواهد. هرکسی می‌تواند هزینه کند و چند بازیکن بخرد تا تیمی را وارد لیگ کند. هنر مدیریت این است که شرایطی فراهم شود تا آن تیم سال‌ها فعالیت کند، بازیکن بسازد، هوادار جذب کند و به درآمدزایی برسد.

محمد محمدی، رئیس انستیتوی کشتی در گفت‌وگو با «ایران»:

باشگاه با تعدد تیم بزرگ نمی‌شود

گروه ورزشی/ ورود باشگاه‌های بزرگ به رشته‌های ورزشی متعدد، در نگاه نخست نشانه‌ای از پویایی و گسترش فعالیت‌های ورزشی است؛ سیاستی که می‌تواند به رونق رشته‌های مختلف و ایجاد فرصت‌های تازه برای ورزشکاران منجر شود. اما تعدد تیم‌ها و حضور در رقابت‌های گوناگون، زمانی ارزشمند خواهد بود که با برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها و توجه به استعدادهای بومی همراه باشد. در غیر این صورت، گسترش تیمداری ممکن است تعهداتی مهمتر از توان باشگاه‌ها ایجاد کند.

علی محمدی، رئیس انستیتوی کشتی در گفت‌وگو با «ایران» با مثبت ارزیابی کردن اصل تیمداری در رشته‌های مختلف می‌گوید: «تیمداری در رشته‌های مختلف اقدام منفی نیست. اتفاقاً باشگاه‌های بزرگ می‌توانند با توسعه فعالیت‌های چندرشته‌ای به رشد ورزش کشور کمک کنند؛ اما این سیاست نیازمند پشتوانه اقتصادی، زیرساخت و برنامه‌ای روشن است. توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که باشگاه توان تأمین هزینه‌های خود را داشته باشد و حضور در هر رشته، دستاورد مشخصی برای مجموعه به همراه بیاورد.» یکی از نکات قابل تأمل در گسترش فعالیت باشگاه‌ها، فاصله جغرافیایی میان محل استقرار آنها و مناطقی است که تیم‌هایشان در آن فعالیت می‌کنند؛ موضوعی که به اعتقاد علی محمدی، نیازمند بازنگری است. او در این باره می‌گوید: «تیمداری باشگاه‌های تهرانی در شرایط فعلی و آن هم در شهرهای دیگر چه ضرورتی دارد؟ به‌عنوان مثال، کشتی تهران سال‌هاست نتوانسته نخبه‌های خوبی به تیم ملی معرفی کند و کشتی‌گیران مازندرانی ترکیب تیم ملی را در اختیار دارند. بهتر بود این باشگاه‌ها به جای جذب ستاره‌های مازندرانی، کشتی تهران را فعال می‌کردند و برای کمک به سازندگی این رشته، آکادمی کشتی در جویبار راه‌اندازی می‌کردند تا با جذب مربیان سازنده، کشتی‌گیران بیشتری به تیم‌های ملی معرفی شوند.»

مدیر پیشین تیم‌های ملی کشتی فرنگی، توسعه آکادمی‌ها را فرصتی برای حمایت از مربیان سازنده نیز می‌داند. او در این باره می‌گوید: «اکنون بسیاری از مربیان سازنده به دلیل نداشتن تیم، در سالن‌های ورزشی مشغول به کار هستند و فدراسیون اغلب آنها را به اردوهای ملی می‌فرستد؛ اما اگر آکادمی‌ها راه‌اندازی شوند، مربیان ضمن فعالیت در آنها می‌توانند به سازندگی هم بپردازند.» علی محمدی همچنین شفافیت مالی و پاسخگویی به هواداران را از الزامات توسعه فعالیت‌های باشگاهی می‌داند و تأکید می‌کند: «بزرگ شدن یک باشگاه به تعداد تیم نیست. اعتبار یک مجموعه زمانی افزایش پیدا می‌کند که بتواند تعهداتش را انجام دهد، زیرساخت بسازد و از سرمایه اصلی خود به‌درستی مراقبت کند.»

شهرزاد مظفر، سرمربی تیم ملی فوتسال زنان در گفت‌وگو با «ایران»:

باشگاه‌ها فقط برای ویترین خود تیمداری می‌کنند



پریسا غفاری/ توسعه ورزش حرفه‌ای فقط با هزینه کردن و حضور در مسابقات رقم نمی‌خورد؛ باشگاه‌های ریشه‌دار برای ماندگاری و موفقیت، پیش از هر چیز باید به فکر زیرساخت، استعدادیابی و پرورش نسل‌های آینده باشند. موضوعی که به نظر می‌رسد در ساختار باشگاهداری ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و جای خود را به تیمداری در رشته‌های متعدد و هزینه‌های مقطعی داده است. شهرزاد مظفر، سرمربی تیم ملی فوتسال زنان، معتقد است نبود برنامه‌ریزی اصولی در باشگاه‌ها، نه‌تنها به توسعه فوتسال کمکی نمی‌کند، بلکه مسیر پشتوانه‌سازی برای تیم ملی را نیز با چالش مواجه کرده است.

شهرزاد مظفر در گفت‌وگو با «ایران» با انتقاد از رویکرد مدیریتی باشگاه‌های ایرانی می‌گوید: «مدیران باشگاه‌ها در توسعه ورزش آن‌قدر بلندپرواز شده‌اند که در ۳۰ تا ۴۰ رشته ورزشی تیمداری می‌کنند، اما از ابتدایی‌ترین وظیفه خود، یعنی ایجاد زیرساخت، بازمانده‌اند. به نظرم این اتفاق نتیجه بی‌تدبیری در اولویت‌بندی مدیریتی است.» او با اشاره به ساختار باشگاه‌های بزرگ جهان و نقش آکادمی‌ها در موفقیت آنها ادامه می‌دهد: «در دنیا باشگاه‌های بزرگ و ریشه‌دار آکادمی‌های قدرتمندی دارند و با پرورش استعدادها، بازیکنان را وارد چرخه حرفه‌ای می‌کنند. البته الزامی برای استفاده از همه بازیکنان آکادمی وجود ندارد، اما اصل کار، ساختن بازیکن و سرمایه‌گذاری روی استعدادهاست. در ایران اما باشگاه‌ها با وجود ایرادات ساختاری، بیشتر مصرف‌کننده هستند و از اعتبار و جیب باشگاه برای خود ویترین می‌سازند.»

سرمربی تیم ملی فوتسال زنان معتقد است بسیاری از باشگاه‌های ایرانی به جای تیمداری واقعی، تنها به دنبال استفاده از دستاوردهای دیگران هستند: «بسیاری از این باشگاه‌ها تیمداری نمی‌کنند، بلکه تیم‌نداری می‌کنند! نه پشتوانه‌ای دارند و نه وارد چرخه تولید بازیکن شده‌اند. بررسی لیگ برتر هم نشان می‌دهد تیمداری در بسیاری از باشگاه‌ها ساختار مشخصی ندارد و توانایی پرورش استعدادهای مستعد نیز شکل نگرفته است.»

شهرزاد مظفر البته هزینه‌کردن برای جذب بازیکنان و مربیان باکیفیت را لازمه رقابت می‌داند، اما تأکید می‌کند این هزینه‌ها باید متناسب با توان اقتصادی باشگاه باشد. او سرمایه‌گذاری باشگاه‌ها در فوتسال را نیز عاملی برای زنده ماندن این رشته توصیف می‌کند و می‌گوید این حمایت‌ها مانند قرص مسکن، فعلاً مانع از خاموش شدن چراغ فوتسال شده است.

سرمربی تیم ملی فوتسال زنان، ضعف آکادمی‌ها را یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب به تیم ملی می‌داند و می‌گوید: «میانگین سنی بالای ۳۵ سال در تیم‌های لیگ برتر، نتیجه همین کم‌توجهی به جوان‌گرایی و استعدادیابی است. مظفر حتی برای شناسایی بازیکنان جوان، به مسابقات مناطق و دستجات کشور رجوع کرده و استعدادهایی را به اردوهای ملی دعوت کرده است؛ اقدامی که به اعتقاد او نباید وظیفه اصلی کادرفنی تیم ملی باشد.»

محمود نظری، مربی پیشین پینگ پنگ در گفت‌وگو با «ایران»:

کار تبلیغاتی دستاوردی برای ورزش ندارد



گروه ورزشی/ ورود باشگاه‌های بزرگ و صاحب‌نام فوتبال به عرصه تیمداری در رشته‌های ورزشی دیگر، فرصتی ارزشمند برای توسعه و حرفه‌ای‌تر شدن این رشته‌ها به شمار می‌رود؛ فرصتی که البته تحقق اهداف آن به نحوه سرمایه‌گذاری و میزان استمرار حمایت‌ها بستگی دارد. پینگ‌پنگ نیز امسال شاهد حضور یکی از باشگاه‌های مطرح در رقابت‌های لیگ بوده است؛ اتفاقی که می‌تواند به افزایش اعتبار این رشته کمک کند، به شرط آنکه به اقدامی مقطعی و تبلیغاتی محدود نشود. محمود نظری، مربی پیشین پینگ‌پنگ و کارشناس این رشته، در گفت‌وگو با «ایران» با استقبال از ورود باشگاه‌های بزرگ به این عرصه، بر ضرورت سرمایه‌گذاری بلندمدت، استعدادیابی و استقلال باشگاه‌ها از فدراسیون‌ها تأکید می‌کند. محمود نظری درباره اهمیت حضور باشگاه‌های بزرگ در لیگ پینگ‌پنگ می‌گوید: «تیمداری باشگاه‌های صاحب‌نام فوتبال در رشته‌های ورزشی دیگر اتفاق مثبتی است، چراکه برند و جایگاه لیگ را ارتقا می‌دهد. البته این حضور زمانی به پیشرفت پینگ‌پنگ کمک می‌کند که سرمایه‌گذاری مستمر باشد و به یک یا دو سال محدود نشود. ساختار باشگاه‌ها نیز باید به‌گونه‌ای باشد که پینگ‌پنگ را به‌عنوان بخشی دائمی از فعالیت‌های خود ببینند، نه اینکه صرفاً به دلیل علاقه یا ارتباط مدیران باشگاه وارد این رشته شوند و با تغییر مدیریت، تیمداری هم متوقف شود. اگر حضور باشگاه‌ها تنها یک مانور تبلیغاتی باشد، دستاوردی برای رشته‌های ورزشی نخواهد داشت.»

او با تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت ادامه می‌دهد: «بهترین کار این است که باشگاه‌ها در یک بازه پنج تا ۱۰ ساله سرمایه‌گذاری کنند. فدراسیون نیز باید سیاستی تعاملی با باشگاه‌ها داشته باشد تا آنها علاوه بر بخش مردان، در قسمت زنان و رده‌های پایه هم تیمداری کنند.»

این کارشناس، راه‌اندازی آکادمی‌های تخصصی را یکی از مهم‌ترین اقدامات باشگاه‌ها برای توسعه پینگ‌پنگ می‌داند و معتقد است: «باشگاه‌ها بهتر است با تأسیس آکادمی به سمت بازیکن‌سازی و استعدادیابی بروند. این اقدام بخش بزرگی از بار توسعه پینگ‌پنگ را از دوش فدراسیون و هیأت‌ها برمی‌دارد. باشگاه‌هایی که سالن اختصاصی دارند، می‌توانند در تمام طول سال فعالیت کنند و پشتوانه مناسبی برای این رشته بسازند.»

به گفته نظری، حضور مستمر در عرصه بین‌المللی نیز از دیگر دستاوردهای این رویکرد است: «بازیکنان می‌توانند با نام باشگاه خود در تورنمنت‌ها و رقابت‌های بین‌المللی شرکت کنند و حتی به رنکینگ جهانی برسند. این اتفاق به برنامه‌ریزی اصولی نیاز دارد. نمی‌توان انتظار داشت باشگاهی سه یا چهار روز در سال تیمداری کند و نقش مؤثری در توسعه یک رشته داشته باشد. فعالیت آکادمی‌ها، مشابه آنچه در فوتبال شاهد هستیم، می‌تواند به رشد پینگ‌پنگ کمک زیادی کند.»

نظری در ادامه، دخالت فدراسیون‌ها در امور باشگاه‌ها را یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه تیمداری می‌داند و می‌گوید: «باشگاه‌ها باید استقلال کاری داشته باشند و بدون اعمال نفوذ مسئولان فدراسیون، کادر فنی و بازیکنان خود را انتخاب کنند. دخالت فدراسیون‌ها می‌تواند تعارض منافع ایجاد کند.»